



# پیر شالیار

گزارش: رامین نوری  
عکس: افشین بختیار

**مراسم پیر شالیار در روستای اورامان تخت کردستان، هر سال دو بار در نیمه بهار و نیمه زمستان برگزار شده و عروسی «پیر شالیار» در سه روز جشن گرفته می‌شود. مقبره پیر شالیار که از موبدان زرتشتی بوده است در انتهای جاده آسفالتی اورامان قرار دارد. این مراسم شامل ذبح دام، قربانی، دف‌زنی، نوعی رقص، خوردن آتش، شب‌نشینی و خواندن شعر و دعا است.**

پیرشالیار، فرزند جاماسب، یکی از رهبران و مُغان آیین زردشت بوده که در اورامان می‌زیسته است، وی مردی دانا و آگاه با طبعی روان بود. در افسانه‌های مردم منطقه اورامانات پیری اسطوره‌ای به نام «پیر شالیار» هست که می‌گویند صاحب کرامات بوده است. از جمله این کراماتی که درباره او روایت می‌شود ماجرای شفا یافتن «شاه بهار خاتون»، دختر شاه بخارا است که پیر شالیار او را شفا می‌دهد. ماجرا از این قرار بوده است که شاه بهار خاتون کر و لال است و تمام طبیبان از مداوای او عاجز، تا این‌که آوازه «پیر شالیار اورامی» به بخارا می‌رسد. پادشاه بخارا هم شرط کرده است که هر کسی دخترش را شفا دهد او را به عقد وی درمی‌آورد؛ بالاخره عموی پادشاه با عده‌ای از اطرافیان پادشاه به سمت اورامان به راه می‌افتند تا دختر را به نزد پیر شالیار ببرند. وقتی که نزدیک روستای «اورامان تخت» می‌رسند گوش‌های دختر به‌طوری آبی شنوا می‌گردند و

وقتی هم به نزدیکی‌های خانه پیر شالیار می‌رسند، صدای نعره دیوی توجه آن‌ها را جلب می‌کند. دیو از تنوره‌ای که هم‌اکنون اهالی به آن «تنوره دیوها» می‌گویند و نزدیک خانه پیر شالیار است بر زمین می‌افتد و کشته می‌شود، در این اثنا زبان شاه بهار خاتون هم باز می‌شود و شروع به صحبت می‌کند.

این مغ کتابی را به نام «مارفته پیرشالیار» (معرفت پیرشالیار) به لجه کردی اورامی شامل امثال و حکم و پند و اندرز با ذکر نکاتی چند از آداب و رسوم آیین باستانی و تأکید و توصیه در جهت حفظ و نگهداری آن به نظم درآورده است.

نسخه این کتاب اکنون کمیاب است و فقط عبارات و ابیاتی از آن را برخی از مردم آن سامان از بردارند و در مواردی به‌جای ضرب‌المثل به کار می‌برند.

در این کتاب منظوم، بعد از هر دو بیت، ابیتی تکرار شده است به این مضمون: «گوشت چه واته پیرشالیار بوو هوشت چه کیاسته زانای سیمیار بوو» یعنی: «به گفته پیرشالیار گوش بده و برای درک نوشته زردشت دانا و هوشیار باش.»

## مراسم جشن

با آغاز چله کوچک، بامداد چهارشنبه پس از نماز صبح کودکان روستا در کوچه‌های بسیار باریک و برف‌گرفته ده با فریاد «کلاروچنه» به در منازل رفته، سهم خود را از گردو، بیسکویت و غیره طلب از اهالی می‌کنند. حیوانات نذر شده توسط مردان آماده ذبح می‌شود. وظایف تقسیم‌بندی شده و هر خانواده‌ای همان



کاری را انجام می‌دهد که گذشتگان‌اش در زمان حیات پیر در مراسم عروسی او انجام داده‌اند. پس از ذبح، بخشی از گوشت تقسیم شده، مابقی به‌عنوان آتش نذری در منزل پیر پخت می‌شود تا ظهر چهارشنبه و پنجشنبه بین مردم تقسیم شود. مردم روستا معتقدند این آتش هرگز کم نخواهد آمد و جمعیت هر چند زیاد باشد کسی با ظرف خالی از منزل پیر نخواهد رفت. در طول مراسم در خانه پیر به روی مردم باز است و هرکس می‌تواند برای زیارت وارد خانه شود. بعد از نماز ظهر دروازش قادری که عمدتاً از روستاهای اطراف و روستاهای مرزی عراق از سه شنبه شب به اورامان آمده‌اند، بر بام خانه پیر جمعیتی حلقه زده با آوای عرفانی دف شروع به ذکر و سماع می‌کنند. در این میان، سالمندان سر رشته ذکر را به‌دست دارند و جوانان در پی هر از گاهی از خود بی‌خود می‌شوند. بعد از پایان مراسم ذکر همگی به مسجد روستا می‌روند و نماز مغرب را به جماعت می‌خوانند. مردان در مسجد به جماعت و زنان در منزل به فرادا تسبیح حق می‌گویند.

از بامداد پنجشنبه مراسم از سر گرفته می‌شود. دیگ‌های بزرگ آتش در خانه پیر برآتش‌اند و جماعت به انتظار. خانه پیر اتافی بزرگ است که در کنار دیوارهای آن سکوهای برای نشستن ساخته‌اند و بر ستون‌های چوبی اطاق نیز تیرهای چوبی موازی تکیه داده شده تا مردم بر آن بنشینند.

در خانه پیر هر خانواده جای مخصوص خود را دارد. هر شخص فقط می‌تواند در همان جایی بنشیند که قریب به هزار سال پیش اجدادش نشسته بودند. شب

هنگام پس از نماز عشا همه در جای خود نشسته یا برپا ایستاده‌اند. تخت گیوه و تسبیح پیر که از او به یادگار مانده، وارد منزل شود. گفته می‌شود که این گیوه‌ها را «کوسه هجیج» که مقبره وی در روستای هجیج که در فاصله ای نه‌چندان نزدیک به اورامان واقع شده، برای پیر آورده است. به تبرک بر تسبیح پیر بوسه می‌زنند. امشب، شونشینی است.

با فرا رسیدن سومین جمعه بهمن‌ماه، مردان نان‌هایی را که به شکل قرص‌های طلایی رنگ از آرد گندم و مغز بادام کوبیده تهیه شده و با ریحان و سیاهدانه تزیین شده است، بر سر مزار پیر شالیار می‌برند و پس از جمع شدن بر سر مزار پیر، نان‌ها را روی هم می‌ریزند و آن‌ها را خرد کرده و با ماست بین حاضران تقسیم می‌کنند.

پیر شالیار هم زمان با جشن سده بر پا می‌شود و یادگار روزگار پرستش مهر در این سامان است. مراسمی که در آن ایزد مهر برکت بخشنده را در چهلمین روز زایشش، در آن هنگام که زمین آغاز به دم زدن می‌کند و گوسفندان بار بر زمین می‌نهند، می‌ستاید و با ریختن خون قربانی یاد ایزد حامی دهقانان و تولیدکنندگان را که با کشتن گاو باعث برکت کشت و دام و روییدن رستنی و گیاهان سودمند و خرمی و شادی در زمین می‌گردد، گرمی می‌دارد و پیروان او در مهرابه‌های باستانی بقایای متبرک را که در شمعدان سنگی است بر سکوهای چوبی پاس می‌دارند.